

درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بهشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۷ آذر ۱۳۹۶

مصادف با: ۲۹ ربیع الأول ۱۴۳۹

جلسه: ۳۲

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الأول: غسل الوجه - کیفیت شستن

سال تحصیلی: ۹۷-۹۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و يجب الابتداء بالأعلى و الغسل من الأعلى إلى الأسفل عرفاً و لا يجوز النكس و لا يجب غسل ما تحت الشعر، بل يجب غسل ظاهره، سواء شعر اللحية و الشارب و الحاجب بشرط صدق إحاطة الشعر على المحل و إلا لزم غسل البشرة الظاهرة في خلاله»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، شستن [صورت] باید از بالا شروع شود.

مشهور بین متقدمین و متأخرین این است که شستن باید از بالا شروع شود؛ هرچند که بعضی از بزرگان، مثل سید مرتضی (ره)، شهید اول (ره)، صاحب معالم (ره)، شیخ بهایی (ره)، ابن ادریس (ره) معتقدند که اگر شستن از بالا نباشد، مشکلی ندارد و اشکالی ندارد که از پایین شسته شود.

ادله قول مشهور

دلیل اول: قاعده اشتغال

«الإشغال اليقيني يقتضي البرائة اليقينية»؛ اگر ذمه انسان مشغول به تکلیفی شد آن تکلیف بر ذمه انسان باقی است تا زمانی که به برائت ذمه یقین پیدا کند و تا زمانی که به برائت ذمه یقین پیدا نکند آن تکلیف بر عهده او باقی خواهد بود و ذمه اش مشغول خواهد بود.

کسانی که به قاعده اشتغال استناد کرده اند، گفته اند که ما نمی دانیم که اگر از بالا شروع به شستن نکنیم، به برائت ذمه یقین پیدا می کنیم یا یقین پیدا نمی کنیم لذا برای اینکه به برائت ذمه یقین پیدا کنیم لازم است که شستن را از بالا شروع کنیم. پس با توجه به اینکه یقین داریم که ذمه ما به یک تکلیفی مشغول شده است و شک داریم که اگر از بالا شروع به شستن نکنیم، برائت ذمه حاصل خواهد شد لذا برای یقین به برائت ذمه باید از بالا شروع به شستن کنیم.

نکته ای که در اینجا وجود دارد این است که تمسک به قاعده اشتغال مبتنی بر دو مطلب است؛ اول، اینکه دلیل اجتهادی که بتوان به اطلاق آن تمسک کرد، وجود نداشته باشد، ولی اگر دلیل اجتهادی وجود داشت و اطلاق داشت؛ به این معنی که شستن به هر کیفیتی که باشد جایز است، در این صورت به اطلاق دلیل اجتهادی تمسک می شود و به جواز شستن از پایین حکم می شود لذا با وجود دلیل اجتهادی نوبت به تمسک به قاعده اشتغال نخواهد رسید.

دوم، اینکه بنا بر این گذاشته شود که جای اجرای اصالة البرائة نیست، اگر زمینه برای اجرای اصالة البرائة باشد نوبت به قاعده اشتغال نمی رسد، بنابراین، تمسک به قاعده اشتغال در فرضی است که نتوان اصالة البرائة را جاری کرد.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۳.

ممکن است که گفته شود در مانحن‌فیه اصالة البرائة جاری نمی‌شود زیرا مأمور به در طهارات ثلاث [وضو، غسل و تیمم]، تحصیل طهارت است و روشن است که زمانی که انسان شک می‌کند که آیا با شستن از بالا ذمه‌اش بری شده است یا بری نشده است، شک مورد نظر، شک در مکلف به است [شک در کیفیت حصول وضو] است و شک در اصل تکلیف [وضو] نیست تا به اصالة البرائة تمسک شود، بلکه احتیاط می‌شود و برای حصول برائت یقینیه باید شستن از بالا شروع شود.

بنابراین، تمسک به قاعده اشتغال در صورت است که اولاً، دلیل اجتهادی مبنی بر جواز شستن از پایین وجود نداشته باشد و ثانیاً، تمسک به اصالة البرائة ممکن نباشد؛ در حالی که هم دلیل اجتهادی وجود دارد و هم می‌توان به اصالة البرائة تمسک کرد.

اما اینکه گفته شد که دلیل اجتهادی در مانحن‌فیه وجود دارد، به خاطر آیه و روایاتی است که در این زمینه وارد شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۱. «فاغسلوا» در آیه مذکور، مطلق است و هر نوع شستنی را شامل می‌شود. بنابراین دلیل اجتهادی اطلاق است و این اطلاق جواز شستن با هر کیفیتی را که باشد، ثابت می‌کند.

ان قلت: اگر گفته شود که آیه مذکور در صدد تشریع و بیان اصل حکم در شریعت است، یعنی آیه مذکور در صدد بیان اصل شستن صورت است و ناظر به کیفیات و خصوصیات شستن نیست.

قلنا: دلیلی بر کلام مذکور نیست چون واضح و روشن است که آیه مذکور در صدد بیان است و این گونه نیست که فقط در صدد تشریع و بیان اصل حکم باشد. بنابراین، آیه در صدد حدود غسل و مسح و خصوصیات این دو است و غسل نیز به کیفیت خاصی مقید نشده است.

همچنین، روایاتی که در مقام بیان وضوی پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) هستند، مطلقند و اطلاق این روایات از این حکایت دارد که شستن به هر کیفیتی که باشد مکفی است و مقید به این نیست که حتماً باید از بالا باشد. این روایات در باب پانزدهم از ابواب الوضوء کتاب الطهارة جلد اول از کتاب وسائل الشیعة آمده‌اند.

اما اینکه گفته شد، جریان اصالة البرائة در مانحن‌فیه جایز است به خاطر این است که با توجه به قول به اینکه طهارت، نفس «غسلتین و مسحتین» است [چون طهارت در عالم اعتبار دارای بقاست و تعبیر «انه علی وضوء» که در روایات آمده است، از طهارت داشتن شخص مورد نظر حکایت دارد]، اگر شک شود که وضوی واجب، فقط افعال، یعنی نفس «غسلتین و مسحتین»، است یا اینکه چیز دیگری [شستن از بالا] نیز در آن متعبر است، نسبت به شیء زائد برائت جاری می‌شود چون شک در این مورد، شک در اقل و اکثر ارتباطی است و در شک در اقل و اکثر ارتباطی، برائت جاری می‌شود.

در رابطه با طهارت دو قول مطرح است: اول، اینکه طهارت اثری است که بر «غسلتین و مسحتین» مترتب می‌شود [، یعنی طهارت بعد از شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و دو پا حاصل می‌شود] و دوم، اینکه طهارت عبارت از نفس «غسلتین و مسحتین» است [، یعنی طهارت، همان شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاهاست].

بنابراین، با وجود دلیل اجتهادی و وجود زمینه برای جریان اصالة البرائة جایی برای اصالة الاشتغال باقی نمی‌ماند لذا دلیل اول مبنی بر وجوب شستن [صورت] از بالا به پایین، مردود است.

عَنْ أَبِي جَرِيرٍ الرَّقَاشِيِّ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (ع): كَيْفَ اتَّوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: «لَا تَعَمَّقْ فِي الْوُضُوءِ وَلَا تَلَطِّمْ وَجْهَكَ بِالْمَاءِ لَطْمًا وَلَكِنْ اغْسِلْهُ مِنْ أَعْلَى وَجْهِكَ إِلَى أَسْفَلِهِ بِالْمَاءِ مَسْحًا وَكَذَلِكَ فَاْمْسَحِ الْمَاءَ عَلَى ذِرَاعَيْكَ وَرَأْسِكَ وَقَدَمَيْكَ»^۱.
گفته‌اند که روایت مذکور، بر لزوم شستن از بالا به پایین دلالت دارد.

اشکال به روایت مذکور

اولاً: روایت مذکور، سنداً ضعیف است زیرا ابی جریر رقاشی در کتب رجالی مهمل و ناشناخته است و هویت او معلوم نیست چون رقاشی عنوان برای دو شخص ذکر شده است و دو شخص به عنوان رقاشی شناخته شده‌اند و هیچ کدام از این دو ابی جریر نیستند که یکی حسین بن المنذر است و دیگری محمد بن درباب است، کما اینکه ابی جریر کنیه قبیلہ و جماعتی است و رقاشی در بین این قبیلہ نیست. بنابراین هر جا رقاشی است، ابی جریر نیست و هر جا ابی جریر است، رقاشی نیست.
بعضی گفته‌اند که اصحاب به مضمون روایت مذکور، عمل کرده‌اند و عمل اصحاب جابر ضعف سند روایت مذکور است، لکن در پاسخ گفته می‌شود که از کجا معلوم است که عمل اصحاب بر طبق روایت مذکور، بوده است؟ بلکه محتمل است که مبنای عمل اصحاب، عمل بر طبق قاعده اشتغال باشد و یا اینکه ممکن است که عمل اصحاب از باب انصراف اطلاق آیه و روایات، به شستن از بالا، باشد، یعنی آیه مذکور و روایاتی که در باب وضو وارد شده‌اند، به شستن از بالا به پایین منصرفند و عمل اصحاب نیز ناشی از انصراف آیه و روایات است و یا اینکه مبنای عمل اصحاب، اخبار بیانیہ می‌باشند [اخباری که حاکی از کیفیت وضوی پیامبر (ص) می‌باشند].

بحث جلسه آینده: اشکال دلالتی روایت مذکور، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمين»